

پایان سیطره گفتمان اصلاح طلبی و

آغاز دوران نوین در ایران و خاورمیانه

تظاهرات مردم در دیماه ۹۶ نقطه آغاز یک دوران نوین در تحولات سیاسی ایران است. خیزش دیماه که با تظاهرات در بیش از یکصد شهر همراه بود، به بیست سال حاکمیت گفتمان جنبش اصلاح طلبی در ایران که با رئیس جمهور شدن خاتمی در سال ۷۶ عروج کرده بود، خاتمه داد و میرود تا جنبش انقلابی و براندازی را به گفتمان غالب تبدیل کند. این تغییر گفتمان تأثیرات عمیقی بر جریانات سیاسی، نظامی، امنیتی، و دیگر باندهای حاکم خواهد گذاشت و عواقب مهمی برای جنبشهای اجتماعی، طبقاتی و همچنین کل نیروهای اپوزیسیون و شبه اپوزیسیون در بر خواهد داشت. با فروکش اعتراضات علیه رژیم اسلامی دوره فعل و انفعالات درونی کل نیروهای سیاسی و جنبشهای اجتماعی و طبقاتی برای منطبق کردن خود با اوضاع تازه آغاز شده است. با جابجایی های حاصل از این فعل و انفعالات، ادامه اعتراضات علیه کل رژیم اسلامی گسترده تر، با قدرت بیشتر و در شرایط متفاوت و با صف بندی های جدید در میان نیروهای فعال در صحنه سیاست ایران صورت خواهد گرفت.

شکست تجربه خونبار و ویرانگر ۴۰ سال حاکمیت مذهب بر جنبشهایی که از مشروطیت تا کنون در تاریخ سیاسی ایران ریشه دارند، تأثیرات مهمی خواهد داشت. یکی از بزرگترین انشعابات در تاریخ لیبرالیسم ایران بر سر نقش و جایگاه دین در پیروزی جنبش سنت - مدرنیته است. جناح قوی تر لیبرالیسم ایران از همان زمان مشروطیت پیروزی حرکت سنت - مدرنیته را در گرو مماشات با دین و عروج یک روایت خوش خیم از دین اسلام می دانست. با تجربه چهار دهه دخالت مذهب حتی در کوچک ترین امور زندگی خصوصی مردم، و با اعتراضات مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی و به ویژه امتناع آشکار آنها از استفاده از فرهنگ اسلامی برای بیان خواستههایشان، لیبرالیسم ایران اگر بخواهد موضوعیت سیاسی و اجتماعی خود را حفظ کند ناچار است تا هم خواهان پایان عمر رژیم اسلامی شود و هم خواهان پایان دادن به هر نوع دخالت دین در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ایران گردد.

جنبش دیماه ۹۶ که زمین سیاست در ایران را عمیقاً شخم زد، الف، خط بطلانی بود بر چهار دهه استفاده از مذهب برای حفظ نظام سرمایه داری که ابتدا برای شکست انقلاب ۵۷ و رها کردن نظام بحران زده سرمایه داری در نظام شاهنشاهی از خطر سقوط بود و در ادامه برای دفاع از منافع آخوندها، نهادهای مذهبی، مقامات رژیم و سپاهیان که خود به بزرگترین صاحبان سرمایه و صنایع تبدیل شدند. و ب، خط پایانی بود بر دو دهه تجربه شکست خورده جنبش اصلاحات سیاسی در دستیابی به اهدافی که خودشان آنرا اعلام کرده بودند. اکنون عرصه اصلی و محوری سیاست ایران دیگر منازعات جریانات درون رژیم اسلامی و بین اصلاح طلب و اصولگرا نیست بلکه بین دو قطبی کل رژیم و مردمی است که خواهان پایان عمر رژیم اسلامی هستند. خیزش دیماه ۹۶ با خواستههای اقتصادی و سیاسی در هم تنیده خود بیانگر خواست بنیادی "نان و آزادی" است بعنوان محور و چتر اتحاد همه مردم علیه رژیم اسلامی.

جنبش اصلاحات سیاسی با رئیس جمهور شدن خاتمی کوشید که آینده رژیم اسلامی را بر کلیت طبقه صاحبان سرمایه و صنایع متکی کند تا نمایندگان جناحهای گوناگون این طبقه بتوانند از طریق انتخابات به قدرت برسند و دولت را در راه منافع خود بکار گیرند. با شکست تجربه اصلاحات سیاسی، لیبرالها برای نمایندگی صاحبان سرمایه و صنایع ایران یک فرصت بی بدیل می یابند تا حریف عمده جنبش کارگری و سوسیالیستها در سیاست ایران شوند. فساد، دیکتاتوری، کشتار، فقر، بیکاری، بی حقوقی زنان، فقدان حق تشکل و اعتصاب کارگری، دستمزدهای یک سوم خط فقر، ضربات مهلک به فرهنگ، ادبیات، هنر و به ویژه موسیقی و فجایع سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی که رژیم اسلامی بیار آورده است ناشی از کارکرد نظام سرمایه داری تحت پوشش اسلام است و خواست "نان و آزادی" مردم ایران تنها با براندازی این سیستم طبقاتی و غیر انسانی بدست می آید. منتها ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران برگ برنده لیبرالها خواهد بود تا همه این بلایا را نه به گردن نظام سرمایه داری بلکه به گردن حاکمیت دین بیاندازند تا از این طریق اسلام را قربانی حفظ نظام سرمایه داری کنند.

در دوران شاه نیز اندیشه لیبرالی که بعضاً به جریانات سوسیالیست هم سرایت کرده بود، دیکتاتوری حاکم و همه رنج و محنت کارگران و زحمتکشان را نه از ماهیت نظام سرمایه داری بلکه از نتایج وابستگی سرمایه داری ایران به امپریالیسم جا میزد. اکنون نیز میرود تا علت دیکتاتوری، بی حقوقی و فقر و فلاکتی که کارگران و مردم بدان دچارند، موضوع محوری مباحثات فعالین جنبش کارگری و سوسیالیستها با لیبرالها شود.

در میان جنبشهای اصلی اجتماعی و طبقاتی، نظیر جنبش کارگری، رفع ستم ملی، جنبش زنان به ویژه علیه حجاب اجباری و برای آزادی پوشش، خیزش دیماه ۹۶ بیشترین تاثیر را بر جنبش دانشجویی خواهد داشت. با سرکوب خونبار جنبش دانشجویی در سال ۵۹ به رهبری رئیس جمهور وقت، بنی صدر که منجر به دستگیری، کشتار و اخراج همه دانشجویان و استادان سوسیالیست و آزادیخواه شد، رژیم اسلامی در گورستان سکوتی به نام دانشگاهها، تشکلهای دانشجویی تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه را ایجاد کرد. در طی همه این سالها تشکلهای دانشجویی تحت کنترل رژیم و از سال ۷۶ اساساً تحت کنترل اصلاح طلبان بوده است و هر تشکل و یا حرکت خارج از آن با دستگیری و شکنجه و زندان سرکوب شده است. با پایان سیطره گفتمان اصلاح طلبی می‌رود تا جنبش دانشجویی نیز از زیر نفوذ اصلاح طلبان خارج شود و به جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی بپیوندد. چرخش جنبش پر تعداد و میلیونی دانشجویی که در تمام تاریخ خود تا قبل از سرکوب و کشتار سال ۵۹ همواره از پایگاههای مهم مبارزه با دیکتاتوری و اساساً چپ گرا بوده است، یک ضربه سنگین به اصلاح طلبان است و به قدرت جبهه مردم در مقابل رژیم اسلامی می‌افزاید.

عدم موفقیت ناسیونالیسم عربی در تحقق اهدافی که داشت با انقلاب ایران در سال ۵۷ هم دوره گشت و قدرت یافتن جناح اسلامی اپوزیسیون شاه که منفعت اروپا و آمریکا آنرا ایجاب میکرد باعث رشد و گسترش جنبشهای اسلامی در کشورهای منطقه شد. با پایان کار داعش در سوریه و عراق، عروج جنبشی در ایران با شعار "آخوندها حیا کنید، مملکتو رها کنید" به تمامی جنبشهای غیر مذهبی در منطقه جان و روحیه تازه خواهد داد. در راستا و در ادامه تاثیر تحولات ایران در صد سال گذشته در کشورهای منطقه، پایان یافتن عمر حکومت دینی در ایران تاثیرات مهمی در تضعیف ارتجاع اسلامی در منطقه خواهد داشت. مبارزات مردم ایران علیه رژیم اسلامی می‌رود تا ابعادی فراتر از مرزهای ایران بیابد و کمر ارتجاع اسلامی در کل منطقه را بشکند.

خواستهای گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کارگران و مردم ایران در چارچوب نظام حاکم و سیستم سرمایه داری قابل تحقق نیست. نظام مدافع صاحبان سرمایه و صنایع زیر چتر حمایتی اسلام بانی همه بلایایی است که گریبانگیر مردم ایران است و لذا حفظ این نظام تحت هر پرچم و رنگ و لعاب متفاوت دیگری نمی‌تواند جوابگوی مطالبات وسیع و اساسی مردم ایران باشد. عبور از رژیم اسلامی و نظام سرمایه داری لازمه بنای جامعه ای است که رفاه و آزادی را برای مردم ایران تضمین کند. در این راستا جنبش کارگری ایران و جناح چپ و سوسیالیست آن مسئولیتی سنگین بدوش دارند تا بسرعت در محل‌های زیست خود متشکل شوند، تشکلهای خود در محل کار را ایجاد کنند، و آنرا تا ایجاد تشکل‌های کارگری در سطح شهر، منطقه و سراسری ادامه دهند، حزب سیاسی خود را ایجاد کنند و برای اعتصابات سراسری آماده شوند. سرنگونی رژیم اسلامی در گرو اتحاد جنبش کارگری شامل بازنشستگان و معلمان، با جنبش دانشجویی، زنان، جنبش رفع ستم ملی حول خواست محوری "نان و آزادی" و با ترکیبی از تظاهرات خیابانی، اعتصابات کارگری، اعتصاب عمومی و در نهایت قیام است.

سرنگون با رژیم اسلامی سرمایه

پیروز باد مبارزه برای نان و آزادی

زنده باد سوسیالیسم

شورای مرکزی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۷ بهمن ۱۳۹۶ - ۲۷ ژانویه ۲۰۱۸